

سری کتاب‌های آموزشی

دوراندینشان

حقوق جزای اختصاصی

با رویکردی به تحلیل ارکان جرم

به کوشش: دکتر علیرضا درویش

با همکاری: امید تاجیک

فهرست

۱۳	مقدمه
۱۴	تحلیل جرم قتل
۱۶	قتل عمد
۱۶	رکن مادی قتل عمد
۱۶	فعل اصابتی
۱۷	موضوع جرم قتل عمدی
۱۸	زمان و مکان در قتل عمد
۱۹	ضوابط قتل عمد
۲۱	شروع به جرم قتل عمدی
۲۲	اشتباه در هدف در قتل
۲۲	اشتباه در هویت در قتل
۲۶	فروض مختلف در اولیاء دم
۲۹	معاونت در قتل
۲۹	شرایط مجازات قتل عمدی
۳۳	مجازات قتل عمدی
۳۴	شرایط اجرای قصاص
۳۴	الف) تقاضای اولیاء دم
۳۵	ب) پرداخت دیه مقرر در قانون
۳۵	پ) اذن رهبر

۳۵	موانع قصاص
۳۶	سقوط مجازات قصاص
۳۸	انواع مجازات در قتل عمدی
۳۸	الف) مجازات اصلی
۳۸	ب) مجازات تکمیلی
۳۸	پ) مجازات تبعی
۳۸	عوامل رافع مسئولیت کیفری در باب قتل عمدی
۳۸	الف) اکراه در قتل
۳۸	ب) عدم بلوغ در قتل عمدی
۴۰	پ) جنون در قتل عمدی
۴۰	ت) خواب و بیهوشی در قتل عمد
۴۰	ث) اضطرار در قتل عمدی
۴۰	راه‌های اثبات قتل عمد
۴۵	چکیده قتل عمد
۵۳	قتل شبه عمد
۵۳	الف) قتل شبه عمد محض
۵۴	ب) قتل شبه عمدی ناشی از جهل به موضوع
۵۵	پ) قتل شبه عمدی ناشی از تقصیر مرتکب
۵۷	قتل‌های ناشی از تخلفات رانندگی
۵۸	قتل‌های ناشی از تخلفات غیر رانندگی
۵۹	چکیده قتل شبه عمدی
۶۰	قتل خطاء محض
۶۱	الف) قتل خطای محض اصلی
۶۲	ب) قتل به وسیله صغیر و مجنون
۶۳	پ) قتل در حالت خواب یا بیهوشی
۶۳	چکیده قتل خطاء محض
۶۴	جنایت بر عضو عمدی
۶۵	جنایت بر عضو شبه عمدی

۶۶ جنایت بر عضو خطاء محض
۶۶ تحلیل ماده ۶۱۴ تعزیرات
۶۸ تحلیل جرم شکنجه به منظور اقرار
۷۰ چکیده جنایت بر عضو
۷۱ ادله اثبات جرم در قتل
۷۳ انواع کلاهبرداری
۷۹ شروع به کلاهبرداری
۸۰ شرکت در کلاهبرداری
۸۰ معاونت در کلاهبرداری
۸۱ اعمال مجازات تکمیلی در کلاهبرداری
۸۱ اعمال مجازات تبعی در کلاهبرداری
۸۱ تعلیق مجازات کلاهبرداری
۸۲ تعویق مجازات کلاهبرداری
۸۲ نظام نیمه آزادی مشروط
۸۲ آزادی مشروط
۸۲ اعمال مجازات جایگزین حبس
۸۳ تأثیر توبه در کلاهبرداری
۸۳ راه‌های اثبات کلاهبرداری
۸۴ چکیده جرم کلاهبرداری
۸۷ جرایم در حکم کلاهبرداری
۸۷ جرم انتقال مال غیر
۸۸ جرم معامله معارض
۸۹ جرم تبانی برای بدن مال غیر
۹۰ معرفی مال دیگری به جای مال خود
۹۰ کلاهبرداری در انحصار وراثت
۹۰ چکیده جرایم در حکم کلاهبرداری
۹۲ جرایم مستقل
۹۲ عضویت در شرکت‌های هرمی

۹۲ کلاشی
۹۴ خیانت در امانت
۹۵ خیانت در امانت در مال مشاع
۹۵ سپردن مال به امین
۹۶ شرط استرداد یا به معرف معین رساندن
۹۶ شروع به خیانت در امانت
۹۶ شرکت در خیانت در امانت
۹۶ معاونت در خیانت در امانت
۹۷ مجازات تکمیلی در خیانت در امانت
۹۷ مجازات تبعی در خیانت در امانت
۹۷ تخفیف در مجازات خیانت در امانت
۹۷ تعویق در مجازات خیانت در امانت
۹۷ تعلیق در مجازات خیانت در امانت
۹۷ مجازات جایگزین در مجازات خیانت در امانت
۹۸ آزادی مشروط در مجازات خیانت در امانت
۹۸ تأثیر توبه در مجازات خیانت در امانت
۹۸ راه‌های اثبات جرم خیانت در امانت
۹۹ جرم سوء استفاده از سفید امضاء
۱۰۰ شروع به جرم سوء استفاده
۱۰۰ شرکت در جرم سوء استفاده
۱۰۰ معاونت در جرم سوء استفاده
۱۰۱ مجازات تکمیلی در جرم سوء استفاده
۱۰۱ مجازات تبعی در جرم سوء استفاده
۱۰۱ تخفیف مجازات در جرم سوء استفاده
۱۰۱ تعویق مجازات در جرم سوء استفاده
۱۰۱ تعلیق مجازات در جرم سوء استفاده
۱۰۱ اعمال مجازات جایگزین حبس
۱۰۱ آزادی مشروط در جرم سوء استفاده

۱۰۲	نظام نیمه آزادی در جرم سوء استفاده
۱۰۲	راه‌های اثبات جرم
۱۰۲	جرم سوء استفاده از ضعف نفس
۱۰۴	جرم سرقت
۱۰۵	سرقت در مال مشاع
۱۰۵	مجازات در انواع جرم سرقت
۱۰۶	سرقت رایانه‌ای
۱۰۷	تحلیل در سرقت حدی
۱۰۸	راه‌های اثبات سرقت
۱۰۸	مشارکت در جرم سرقت
۱۰۹	شروع به جرم سرقت
۱۰۹	جرم صدور چک پرداخت نشدنی
۱۱۵	قانون صدور چک و اصلاحیه سال ۹۷
۱۲۱	جرم تخریب
۱۲۲	جرم کلاشی
۱۲۲	چکیده جرم خیانت در امانت
۱۲۴	چکیده جرم سوء استفاده از امضاء
۱۲۵	چکیده جرم سوء استفاده ضعف نفس
۱۲۵	چکیده جرم سرقت
۱۲۷	چکیده جرم صدور چک بلامحل
۱۲۸	چکیده جرم تخریب
۱۳۰	جرایم علیه امنیت
۱۳۰	ویژگی‌ها جرایم علیه امنیت
۱۳۰	اصل صلاحیت واقعی
۱۳۱	مرجع رسیدگی
۱۳۱	حیثیت جنبه عمومی
۱۳۲	گرایش به سیستم مجرمیت مستقل از معاونت
۱۳۲	گرایش به جرم انگاری جرایم مطلق

- ۱۳۳ جرم تشکیل یا اداره دستجات با هدف برهم زدن امنیت کشور
- ۱۳۴ جرم عضویت در دستجات مذکور در ماده ۴۹۹
- ۱۳۶ جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام
- ۱۳۸ جرم تسلیم نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات ...
- ۱۳۹ جرم جاسوسی به نفع یک دولت بیگانه و ضرر دولت دیگر
- ۱۴۰ جرم وارد شدن به اماکن سیاسی و نظامی
- ۱۴۲ جرم عکس یا فیلم‌برداری از اماکن نظامی یا اماکن ممنوعه
- ۱۴۲ جرم تحریک موثر نیروهای مسلح
- ۱۴۳ جرم جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده
- ۱۴۶ جرم تخلیه اطلاعاتی
- ۱۴۷ جرم همکاری با دولت خارجی متخاصم
- ۱۴۸ جرم اخفای جاسوسان
- ۱۴۹ جرم تهدید به بمب‌گذاری
- ۱۵۰ جرم تحریک به جنگ و اغوا
- ۱۵۱ جرم اهانت به مقدسات مذهبی
- ۱۵۲ جرم اهانت به امام خمینی و مقام رهبری
- ۱۵۳ جرم سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی
- ۱۵۴ چکیده مطالب
- ۱۶۲ جرم قلب سکه و ترویج سکه تقلبی
- ۱۶۴ جرم تخدیش سکه
- ۱۶۵ جرم ساختن مسکوک رایج داخلی یا خارجی غیر از طلا و نقره
- ۱۶۶ جرم خرید و فروش سکه‌های تقلبی
- ۱۶۷ معاذیر قانونی در مورد قلب سکه و جرایم وابسته
- ۱۶۷ چکیده مطالب
- ۱۷۰ جرم جعل
- ۱۷۰ ساختن نوشته یا سند
- ۱۷۱ ساختن مهر یا امضاء
- ۱۷۱ خراشیدن

۱۷۱	تراشیدن
۱۷۲	قلم برده
۱۷۲	الحاق
۱۷۲	محو
۱۷۲	اثبات
۱۷۲	سیاه کردن
۱۷۲	تقدم یا تأخر تاریخ
۱۷۳	الصاق
۱۷۳	به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن
۱۷۳	جعل معنوی
۱۷۶	انواع ضرر
۱۷۶	جعل در کپی
۱۷۷	جعل در اسناد باطله
۱۷۷	جعل در اثر انگشت
۱۷۷	شبیه سازی در جعل
۱۷۸	شروع به جرم جعل
۱۷۸	استفاده از سند مجعول
۱۸۰	چکیده جرایم جعل و استفاده از سند مجعول
۱۸۲	جعل رایانه ای
۱۸۳	ارکان اختلاس
۱۸۵	شرایط جرم اختلاس
۱۸۶	نکات باب اختلاس
۱۸۶	جرم رشا و ارتشاء
۱۹۳	جرم محاربه
۱۹۵	جرم افساد فی الارض
۱۹۶	جرم بغی
۱۹۹	چکیده جرم بغی
۲۰۰	حقوق کیفری اقتصادی

۲۰۰	۱) جرم تقلب در امور دارویی و پزشکی و مواد.....
۲۰۲	۲) جرم تصرف غیر قانونی در اموال دولتی
۲۰۳	۳) اخذ پورسانت کمیسیون در معاملات دولتی
۲۰۴	شروع به اخذ پورسانت
۲۰۵	۴) جرم قاچاق انسان
۲۰۶	شروع به جرم قاچاق انسانی
۲۰۷	۵) پول شویی
۲۰۹	۶) جرم مداخله غیر مجاز در محیط زیست
۲۱۰	چکیده جرایم اقتصادی
۲۱۵	توهین
۲۱۷	توهین مشدد
۲۱۹	توهین به رهبر
۲۲۰	توهین به مقامات سیاسی خارجی
۲۲۲	توهین به مقدسات اسلام
۲۲۳	توهین ادبی
۲۲۴	توهین به زنان و اطفال
۲۲۵	افتراء
۲۲۷	افتراء عملی
۲۳۰	قذف
۲۳۳	نشر اکاذیب
۲۳۴	نشر اکاذیب رایانه‌ای
۲۳۶	تهدید و اخاذی
۲۳۸	جرم اخذ نوشته با سند به عنف و اکراه
۲۳۹	قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۴۰۰/۱/۲۹
۲۴۱	لایحه اصلاح ماده (۶۱۲) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی
۲۴۲	محشای قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۹۹/۲/۲۳
۲۶۲	منابع

به نام خدا

مقدمه

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجه

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها مهم‌ترین اصل حاکم بر حقوق کیفری است که منشأ آن جرم‌انگاری رفتارهای اجتماعی نافعی نظم عمومی از ناحیه قانون‌گذار است.

تحلیل رفتارهای مجرمانه که با نقض ارکان این دست از هنجارهای اجتماعی همراه است، شاید مهم‌ترین رهیافت در استدلال و استنباط دستاوردهای حاکم بر حقوق کیفری باشد. نگارنده با سابقه ۱۲ سال تدریس پیوسته در دانشگاه‌ها و مقاطع مختلف مهم‌ترین معضل دانشجویان را در مقاطع گوناگون عدم ادراک مناسب در تحلیل ارکان جرم یافتیم، به نحوی که با تحلیل ارکان جرم و انتساب و عدم انتساب رفتار مجرمانه به متهم که به موجب آن می‌تواند فرآیند مناسبی در موازین علمی و به تبع آن فرآیند دادرسی ایجاد نماید کتاب فوق بدون داشتن هیچ ادعای علمی و عملی صرفاً به دنبال باز کردن گره‌های کور دانشجویان، کارآموزان، و کلاهی دادگستری، قضات در باب تحلیل ارکان جرم است. لذا نگارش مهم‌ترین اصل حاکم بر حقوق کیفری و فاصله گرفتن از مطالب زائد و کتاب گستر به اعتقاد نگارنده شاید مهم‌ترین رسالت هر معلمی باشد. که امروزه با توجه به شرایط خاص اجتماعی کمتر به آن توجه می‌شود.

در همین راستا بر خود وظیفه می‌دانم از زحمات همکار گرانقدر جناب آقای امید تاجیک (وکیل پایه یک دادگستری) نهایت قدردانی را داشته و از آقای شاه نظری رتبه برتر آزمون وکالت سال ۹۸ به خاطر در اختیار قرار دادن محشای قانون کاهش مجازات به اینجانب سپاسگزاری خود را اعلام می‌نمایم.

باشد تا این کتاب نیز همانند سایر کتب نگارنده پایه و اساسی برای تکامل بیشتر مطالب باشد.

و در پایان به نقل از مرحوم عماد اصفهانی؛

من دیدم امروز انسانی کتابی نمی‌نویسد، مگر آن که فردایش می‌گوید، اگر این نوشته تغییر باید بهتر است، و این عبارت حذف شود زیباتر است، و این از بزرگترین عبرت‌هاست و خود دلیل است بر غلبه نقص بر همه افراد بشر

علیرضا درویش

جزای اختصاصی

تحلیل جرم قتل

قتل عبارت است از، سلب حیات از دیگری برخلاف قانون.

قتل انواعی دارد که عبارت از:

قتل عمد و قتل غیر عمد، که خود به دو دسته شبه عمدی و خطائی تقسیم می‌شود.

قانون گذار برابر ماده ۲۸۹ ق.م.ا، جنایت را بر سه قسم عمدی، شبه عمدی، خطاء محض تقسیم نموده است.

رکن قانونی

انواع قتل در قانون مجازات اسلامی به شرح ذیل است:

ماده ۲۹۰- جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود:

الف- هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع

آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود. (قصد کشتن داشته باشد)

ب- هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد

ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا

نظیر آن می‌شود. (فعل کشنده باشد)

پ- هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی شود لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

ت- هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند. تبصره ۱- در بند (ب) عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی است مگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی شود.

تبصره ۲- در بند (پ) باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مجنی علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی شود.

ماده ۲۹۱- جنایت در موارد زیر شبه عمدی محسوب می شود:

الف- هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می گردد، نباشد.

ب- هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.

پ- هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد. (تبصره ماده ۱۴۵ ق.م.ا)

ماده ۲۹۲- جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می شود:

الف- در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود.

ب- به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد.

پ- جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.

تبصره- در مورد بندهای (الف) و (پ) هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می گردد، جنایت عمدی محسوب می شود.

مواد فوق‌الذکر صرفاً مصادیق انواع قتل را بیان نموده‌اند و نوع قتل را تعریف نکرده‌اند.

قتل عمد

همان‌گونه که بیان شد، ماده ۲۹۰ ق.م.ا صرفاً مبادرت به بیان مصادیق قتل عمد نموده است و از تعریف و مجازات آن استنکاف نموده است.

در ارین راستا، ماده ۳۸۱ ق.م.ا بیان می‌دارد:

« مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر اینصورت مطابق مواد دیگر قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد. »

رکن مادی قتل عمد

در باب فوق‌الذکر موارد ذیل‌الذکر قابل بررسی است؛

- اقدام کننده (مرتکب)

شرط با ویژگی خاصی برای اقدام کننده بزه قتل عمد در قانون بیان نشده است، اما ذکر این مورد ضروری است که اگر مرتکب ولی قهری مجنی علیه باشد قصاص منتفی است. همچنین اگر مرتکب مجنون یا صغیر باشد قتل خطای محض محسوب می‌شود.

- رفتار مجرمانه

رفتار مجرمانه در قتل عمد به شکل فعل و ترک فعل متبلور می‌گردد.

فعل

در خصوص فعل عملاً اختلاف نظری میان حقوق دانان وجود ندارد، زیرا که مصادیق مندرج در ماده ۲۹۰ تماماً در غالب فعل محقق می‌گردد.

این فعل مجرمانه خود را به دو شکل نشان می‌دهد.

الف) فعل اصابتی

یعنی فعلی که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم بر جان مجنی علیه (بزه دیده) اثر گذار باشد. مانند: فوت بر اثر ضربه چاقو (مستقیم) و یا انفجار بمب در کنار او، که باعث مرگ مجنی علیه گردد. (غیر مستقیم)

ب) فعل غیراصابتی

در این نوع فعل، نیازی به رفتار مستقیم و تماس بدنی نیست، بلکه این فعل ناشی از اثر گذاری بر فضای بیرونی و روانی مجنی علیه حاصل می‌شود. مانند آنکه فردی با علم و آگاهی از این امر که قلب مجنی علیه ضعیف است و باید از فضای استرس و تشنج فاصله داشته باشد، مبادرت به تماس تلفنی با وی نموده و به دروغ مرگ فرزندش را به وی خبر می‌دهد. در این راستا ماده ۵۰۱ ق.م.ا، بیان می‌دارد: «هرگاه کسی بر روی شخصی سلاح بکشد و یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد، و یا هر کار دیگری که موجب هراس او می‌گردد انجام دهد، و در اثر آن، فرد بمیرد یا مصدوم گردد، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود.»

ترک فعل

حسب ماده ۲۹۵ ق.م.ا، قتل عمد با ترک فعل قابل تحقق است، برابر این ماده: «هر گاه کسی که فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون به عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن جنایتی واقع شود و جنایت حاصل به او مستند شود، حسب مورد عمدی، شبه عمدی، خطاء محض است. مانند آنکه نجات غریق از نجات شناگر در حال غرق شدن خودداری نماید.»

موضوع جرم قتل عمدی

موضوع جرم قتل عمدی (انسان زنده) است و مراد از انسان زنده کسی است که دارای حیات مستقر باشد، و مراد از حیات مستقر کسی است که دارای حیات با ثبات و استقرار یافته است. مانند حیات تمامی انسان هایی که در حال زندگی و فعالیت روزانه اند. و همین طور حیاتی که یک انسان مریض و معلول دارد. حتی حیات انسانی که جرح کشنده‌ای بر او وارد شده، اما هنوز نمرده است، حیات مستقر است. با این اوصاف اگر سم کشنده‌ای به فردی داده شود و پزشکان مطمئن باشند که فرد حداکثر تا دو روز آینده خواهد مرد، و فرد دیگری مبادرت به قتل وی با چاقو نماید قاتل محسوب و قصاص می‌شود (فرد دوم)، زیرا که حیات فرد، حیات مستقر بوده است.

در این راستا ماده ۳۷۱ ق.م.ا بیان می‌دارد: «هرگاه شخصی آسیبی به فردی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند، قاتل همان نفر دوم است، اگر چه آسیب قبلی به تنهایی موجب مرگ گردد.» ولی مراد از حیات غیرمستقر، یعنی شروع به بیرون آمدن از بدن کرده است و در بدن ثبات و استقرار ندارد. به نحوی که اگر حیات را به ۱۰۰ واحد تقسیم کنیم، ۶۰ واحد آن خارج شده و ما یقین داریم که ۴۰ واحد دیگر

آن هم به دنبال آن از بدن خارج خواهد شد. فقها از این نوع حیات به گوسفند ذبح شده مثال می‌زنند. مرگ مغزی مثال متداول بر حیات غیرمستقر است، در این راستا ماده ۳۷۲ ق.م.ا بیان می‌دارد:

« هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به گونه‌ای که فرد را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حالت دیگری با رفتاری به حیات او پایان دهد. نفر اول قصاص می‌شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌گردد. در واقع برابر این ماده، شخصی که فردی را در حالت حیات غیرمستقر قرار داده باشد، قاتل عمدی محسوب می‌شود.

وسيله جرم

وسيله در تحقق جرم قتل عمدی موضوعیت ندارد و عملاً نوع وسیله در تحقق قتل عمدی شرط نیست نتیجه: با توجه به اینکه قتل عمد، جرمی آنی و مقید است، عملاً نتیجه مجرمانه که همان مرگ مجنی علیه است باید واقع شود. مگر نه جرم قتل عمدی محقق نمی‌شود.

ماده ۴۹۲ ق.م.ا، در این راستا بیان می‌دارد:

«جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد، اعم از آنکه به نحو مباشرت یا تسبیب یا اجتماع هر دو باشد.»

زمان و مکان در جرم قتل عمدی

زمان و مکان در وقوع جرم قتل عمدی بی اثر است ولی در مجازات آن می‌تواند موثر باشد، مانند آنکه قتل در ماه‌های حرام اتفاق افتد (رجب، محرم، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه) که سبب تغلیظ دیه می‌شود و یا در مکه مکرمه قتل واقع شود ماده ۵۵۵ ق.م.ا بر این امر صراحت دارد.

نکته

۱. معیار شروع و پایان ماه‌های حرام، مغرب شرعی است.
۲. اگر قتل در ماه‌های حرام یا در مکه مکرمه واقع شود و فرد مستحق قصاص باشد، و انجام آن مستلزم پرداخت تفاضل دیه از سوی اولیاء دم به قاتل باشد، تفاضل دیه تغلیظ نمی‌شود.
۳. تغلیظ دیه مخصوص قتل نفس است (عمدی یا غیرعمدی) و در جنایت بر اعضاء و منافع جاری نیست.

ماده ۵۵۵- هرگاه رفتار مرتکب و فوت مجنی علیه هر دو در ماه‌های حرام «محرم، رجب، ذی القعدة و ذی الحجه» یا در محدوده حرم مکه، واقع شود خواه جنایت عمدی خواه غیرعمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک سوم دیه نیز افزوده می‌گردد. سایر مکان‌ها و زمان‌های مقدس و متبرک مشمول حکم تغلیظ دیه نیست. تبصره - معیار شروع و پایان ماه‌های حرام، مغرب شرعی است مانند ماه رجب که از مغرب شرعی آخرین روز ماه جمادی الثانی، شروع و با مغرب شرعی آخرین روز ماه رجب به پایان می‌رسد

نکته

در تغلیظ دیه فرقی میان، زن و مرد، مسلمان و غیرمسلمان، بالغ و غیربالغ نیست، همچنین شامل جنینی که روح در آن حلول کرده باشد نیز می‌شود. (چهار ماه به بعد)

ضوابط قتل عمدی**ضابطه اول**

برابر بند الف ماده ۲۹۰ ق.م.ا که به موجب آن، هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افراد معینی یا فرد یا افرادی غیر معینی از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه عمل ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه خیر.

نکته

برابر بند الف، ضابطه اول قتل عمدی عبارت است از: قاتل ضمن آنکه از روی اراده و قصد، فعل خود را انجام می‌دهد (قصد فعل)، قصد قتل یا سلب حیات شخص (قصد نتیجه) را هم داشته باشد. (عالمای فقه و عمده فقهی قصده)

نکات

۱. منظور از قصد فعل و قصد نتیجه، عمد در انجام فعل بر روی مجنی علیه خاص است.
۲. مراد از معین بودن در بند الف ماده ۲۹۰ ق.م.ا، معین بودن به صورت کلی و فیزیکی و جسمی است و نه به صورت خصوصیت. بنابراین لازم نیست که خصوصیت فردی و هویت شناسنامه‌ای شخصی هم برای قاتل مشخص باشد.
۳. اصل بر آگاهی مرتکب نسبت به رفتار مجرمانه است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

ضابطه دوم قتل عمدی

برابر بند ب ماده ۲۹۰ ق.م.ا هر گاه مرتکب عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن

گردد. هر چند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.

نکات

۱. قصد انجام فعل نوعاً کشنده ضابطه دوم قتل عمدی محسوب می‌شود و نه صرف وجود عمل نوعاً کشنده. به طور مثال، هرگاه کسی قصد کشتن یا مجروح کردن دیگری را با زدن تیری به دست وی را داشته باشد ولی تیر با اصابت به قلب یا نقطه دیگری از بدن قربانی او را بکشد یا مجروح سازد، عمل مرتکب عمدی محسوب می‌شود.
۲. مرتکب باید آگاهی به نوعاً کشنده بودن رفتار خود داشته باشد.
۳. در بند ب ماده ۲۹۰، اصل بر آگاهی مرتکب است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. و در موارد خاصی که نوعاً کشنده بودن برای همه آشکار نیست، اصل بر عدم آگاهی مرتکب است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

ضابطه سوم قتل عمدی

برابر بند پ ماده ۲۹۰ ق.م.ا: « هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن نمی‌شود، لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا وضعیت خاص زمانی و مکانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود، مشروط بر آنکه مرتکب بر وضعیت نا متعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص زمانی و مکانی آگاه باشد.»

نکات

۱. صرف آگاه بودن مرتکب نسبت به وضعیت خاص قربانی کفایت نمی‌کند؛ بلکه آگاه بودن نسبت به کشنده بودن عمل نسبت به قربانی ملاک عمل است.
۲. در این بند، فاعل جرم، سوء نیت عام، یعنی عالماً و عامداً بودن رفتار مجرمانه را دارد ولی سوء نیت خاص که همان کشتن قربانی جرم است، را ندارد.
- ولی قانون گذار به واسطه داشتن شرایط خاص قربانی جرم و آگاهی مرتکب نسبت به این شرایط، قتل را عمدی محسوب می‌کند.
۳. اصل بر عدم آگاهی مرتکب است و آگاهی مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات، رفتار مجرمانه قتل عمدی محسوب نمی‌شود.

ضابطه چهارم قتل عمدی

برابر بند ت ماده ۲۹۰ ق.م.ا.هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند آنکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند

نکته

در این بند مرتکب هم سوء نیت عام یعنی علم و آگاهی نسبت به رفتار مجرمانه را دارد و هم سوء نیت خاص، یعنی قصد تحقق نتیجه را (سلب حیات از افراد) ولی در این بند مبنا فرد معینی نیست.

شروع به جرم قتل عمدی

برابر ماده ۱۲۲ ق.م.ا، شروع به جرم زمانی قابل مجازات است که در قانون پیش بینی شده باشد. لذا عدم پیش بینی شروع به جرم در قانون موید آن است که عمل مجرمانه شروع به جرم ندارد. در همین راستا و برابر ماده ۶۱۳ باب تعزیرات (هرگاه کسی شروع به قتل عمدی نماید ولی نتیجه منظور بدون اراده او محقق نگردد به شش ماه تا سه سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد) همچنین، برابر بند الف ماده ۱۲۲ ق.م.ا، (شروع به جرم جرایمی که مجازات آن سلب حیات است، حبس تعزیری درجه چهار است) که این بند ماده ۱۲۲ با رفتار مجرمانه شروع به قتل عمد تطابق دارد.

در حال حاضر طبق نظریه مشورتی شماره ۹۶۴/۹۲/۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۶ می بایستی تمام شروع به جرم هارا مشمول ماده ۱۲۲ دانست چرا که قانون گذار در مقام ایجاد نظم خاصی برای مجازات شروع به جرم بوده است مضافا اینکه لزوم یکسان سازی نحوه رسیدگی در امور قضایی که در بند ۷ سیاست های کلان مقام معظم رهبری مورد تاکید قرار گرفته و با توجه به ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ که لغو کلیه مقررات و قوانین مغایر با این قانون را قائل شده است نیز اقتضای این امر را دارد. البته برخی از حقوقدانان قائل به این هستند که طبق قواعد علم اصول، خاص مقدم، عام موخر را تخصیص می دهد و ماده ۶۱۳ تعزیرات حاکم است.

اما آنچه برای توافق وجود دارد آن است که شروع به جرم در قتل عمدی در قانون پذیرفته شده است.

تحلیل اشتباه در هدف در قتل

در اشتباه در هدف، مرتکب قصد کشتن فرد معینی را دارد و رکن روانی نیز در مقام عمل نسبت به فرد معین است ولی در اثر اشتباه فرد معین به قتل نرسیده و فرد دیگری فوت می‌شود. این در حالی است که رکن معنوی در غالب سوء نیت عام و خاص بر علیه فرد اولی بوده است و نه فرد فوت شده، لذا علی رغم فوت فرد دوم به واسطه نداشتن رکن روانی و سوء نیت عام و خاص قتل انجام شده خطأ محض خواهد بود. (اشتباه در هدف)

نکته

در قتل ناشی از اشتباه در هدف ما با دو نفر مواجه هستیم و قتل در این فرض خطای محض است.

تحلیل اشتباه در هویت در قتل

در اشتباه در هویت، برخلاف اشتباه در هدف ما در هنگام اعمال رکن مادی جرم با یک نفر مواجه هستیم و نه دو نفر، لذا که رکن روانی در غالب سوء نیت عام و خاص بر علیه فرد معین بوده و همان فرد معین نیز در غالب رفتار مجرمانه به قتل می‌رسد ولی پس از انجام رفتار مادی جرم، کاشف به عمل می‌آید که متوفی فرد مورد نظر نبوده و شبیه به وی را حتی برادر دو قلو وی بوده، که این امر باعث اشتباه در هویت از دیدگاه فاعل جرم شده است.

در این رویکرد رفتار مجرمانه مشمول عنوان مجرمانه قتل عمدی خواهد بود.

چرا که یک فرد معین در کانون توجه فاعل جرم بوده و تمامی ارکان قانونی، مادی، معنوی نیز نسبت به وی قابل استناد بوده است و همان فرد نیز فوت نموده است که بعد از قتل مرتکب آگاه شده است که قربانی مجنی علیه مورد نظر وی نبوده و در تشخیص هویت وی دچار اشتباه شده است. که در چنین وضعیتی، رفتار ارتكابی مشمول عنوان قتل عمد خواهد بود.

مرتکب جرم قتل عمدی

کسی که مرتکب جرم عمدی است، کسی است که رفتار مجرمانه در غالب فعل یا ترک فعل و نتیجه مجرمانه که همان سلب حیات از مجنی علیه است و به وی قابل انتساب است. چنین فردی دارای رکن معنوی جرم در غالب، علم و آگاهی مرتکب در رفتار مجرمانه (سوء نیت عام) و قصد نتیجه (سوء نیت خاص) که همان سلب حیات است را نسبت به مجنی علیه داراست.

قانون گذار در ماده ۴۹۲ ق.م.ا، مرتکب جرم را مشمول:
الف- مباشر جرم(ماده ۴۹۲) ب- مسبب جرم(ماده ۵۰۶) و ج- جمع سبب و مباشر (ماده ۵۲۶) می‌داند.

الف) مباشر جرم

برابر ماده ۴۹۴ ق.م.ا، مباشر آن است که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد. مانند آنکه با ضربه چوب دستی از ناحیه مباشر به موضع حساس بدن، مجنی علیه به قتل برسد.

نکته

رای وحدت رویه ۱۳۳۶/۰۹/۰۷-۴۶۶۸ - چوب با در نظر گرفتن حساسیت موضع اصابت آلت قتاله محسوب می‌شود، لذا رفتار مجرمانه مشمول عنوان قتل عمدی خواهد بود.

ب) تسبیب جرم

برابر ماده ۵۰۶ ق.م.ا، «تسبیب در نهایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود، به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد، مانند آنکه کسی چاهی بکند و دیگری در آن بیافتد و آسیب ببیند.»

نکته

تحلیل ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی

• تحقق جرائم غیر عمدی منوط به احراز تقصیر مرتکب است

۱. تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی است.

۲. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد از مصادیق بی احتیاطی یا بی مبالاتی است.

نکته: در جرائم غیر عمدی مانند جرائم رانندگی که موجب خسارات بدنی نباشد تقصیر شرط مسئولیت کیفری است.

• در جنایات غیر عمدی، اعم از شبه عمدی، و خطای، محض، مقدمات کتاب قصاص و دیات اعمال می‌شود.

بنابراین — در مورد خسارات بدنی و غیر عمدی مستوجب دبه با توجه به مقررات دیات تقصیر شرط نیست بلکه مطابق با مواد ۴۹۲ و ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی رابطه استناد شرط می‌باشد، یعنی نتیجه حاصله می‌بایستی مستند به رفتار مرتکب باشد.

در باب قتل از طریق مسبب چند حالت متصور است:

۱. (اجتماع اسباب عرضی) اعمال ماده ۵۳۳ ق.م.ا، مداخله چند سبب به نحوی که هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردد به نحوی که جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، که به طور مساوی ضامن می‌باشند.
۲. (اجتماع اسباب طولی) اعمال ماده ۵۳۵ ق.م.ا، که برابر آن دو یا چند نفر با انجام فعل غیرمجاز، در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند، که کسی که تاثیر گذاری او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب یا اسباب دیگر باشد ضامن است.
۳. (اجتماع اسباب مجاز و غیرمجاز) اعمال ماده ۵۳۵ و ۵۳۶ ق.م.ا، که برابر آن دو یا چند نفر بر وقوع جنایت یا خسارتی اقدام کنند، که اقدام یکی از آنها مجاز و اقدام دیگری غیرمجاز باشد، که برابر آن اقدام فردی که عملش غیرمجاز است ضامن است.
۴. (اجتماع سبب و عمد یا تقصیر مجنی‌علیه) اعمال ماده ۵۳۷ ق.م.ا، که برابر آن، هرگاه جنایت منحصراً مستند به عمد و یا تقصیر مجنی‌علیه باشد، ضمان ثابت نیست. در مواردی هم که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب است، لکن سرایت آن مستنداً به عمد یا تقصیر مجنی‌علیه نباشد مرتکب نسبت به سرایت ضامن نیست.

ج) جمع سبب و مباشر

برابر ماده ۵۲۶ ق.م.ا، هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و برخی به تسبیب در وقوع جنایتی، تاثیر داشته باشند. عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است. و چنانچه جنایت مستند به همه عوامل باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند. مگر تاثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد، که در این صورت هر یک به میزان تاثیر رفتارشان مسؤل هستند.

سبب اقوی از مباشر

در صورتی که مباشر در جنایت، بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد، صرفاً سبب ضامن است. که در چنین مواردی تاثیر سبب از مباشر در جرم بیشتر است و به تبع آن مسئولیت با سبب است، لذا سبب اقوی از مباشر بوده و مسئولیت بر عهده وی است.

شرکت در قتل

شرکت در قتل زمانی تحقق پیدا می‌کند که کسی در اثر ضرب و جرح عده‌ای کشته شود و مرگ مستند به عمل همه آنها باشد. خواه عمل شریک به تنهایی برای تحقق قتل کافی باشد خواه نباشد، نکته حائز اهمیت این امر است که در صورتی که بتوان رفتار یک فرد معین را عامل اصلی وقوع جرم قلمداد کرد، عملاً شرکت در جرم منتفی است.

به طور مثال، چند نفر با ضربات متعدد چاقو بر پیکر مجنی علیه باعث فوت وی می‌شوند. در این راستا با ارجاع موضوع به پزشکی قانونی مشخص می‌شود که صرفاً ضربه یکی از شرکاء علت تامه قتل بوده و ضربات سایر شرکاء کشنده نبوده است. در چنین فرضی مشارکت در قتل منتفی است و مباشرت در قتل محقق می‌شود.

در این راستا ماده ۳۶۸ ق.م.ا. بیان می‌دارد: «افرادی که جنایتی بر مجنی علیه وارد نموده اند که موجب قتل وی نشده و صرفاً جراحاتی را بر وی نموده است، حسب مورد به قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می‌شوند.»

نکته حائز اهمیت مجازات شرکاء در قتل عمد است، که برابر ماده ۳۷۳ ق.م.ا. است، لذا مجازات اصلی قصاص است که در صورت اعمال حق قصاص برای تمامی شرکاء، اولیاء دم باید فاضل دیه را به شرکاء پرداخت نماید. در این راستا این نکته حائز اهمیت است که برابر تبصره ماده ۳۷۳ ق.م.ا. که بیان می‌دارد:

«اگر مجنی علیه یا ولی دم، خواهان قصاص بعضی از شرکاء باشد و از حق خود نسبت به برخی دیگر مجانی گذشت کند یا با آنان مصالحه کند، در صورتی که دیه قصاص شونده‌گان بیشتر از جنایتشان باشد، باید پیش از قصاص، مازاد دیه آنان را به قصاص شونده‌گان بپردازد.»

در همین راستا نیز (مجازات شرکاء در قتل عمد) ماده ۳۵۹ ق.م.ا. بیان می‌دارد:

در موارد ثبوت حق قصاص، اگر قصاص مشروط به رد فاضل دیه نباشد، مجنی علیه یا اولیاء دم، تنها می‌تواند قصاص یا گذشت نماید و اگر خواهان دیه باشد، نیاز به مصالحه با مرتکب و رضایت او دارد.

نحوه پرداخت فاضل دیه، با اولیاء دم و حالات مختلف آن به تصریح ماده ۳۵۱ ق.م.ا. ولی دم همان ورثه مقتول است به جز زوج یا زوجه او که حق قصاص ندارد.

۱. ماده ۳۷۳- در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مجنی علیه یا ولی دم می‌تواند یکی از شرکا در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید بلافاصله سهم خود از دیه را به قصاص شونده بپردازند و یا اینکه همه شرکا یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند، مشروط بر اینکه دیه مازاد بر جنایت پدید آمده را پیش از قصاص، به قصاص شونده‌گان بپردازد. اگر قصاص شونده‌گان همه شرکا نباشند، هر یک از شرکا که قصاص نمی‌شود نیز باید سهم خود از دیه جنایت را به نسبت تعداد شرکا بپردازد.

تبصره- اگر مجنی علیه یا ولی دم، خواهان قصاص برخی از شرکا باشد و از حق خود نسبت به برخی دیگر مجانی گذشت کند یا با آنان مصالحه نماید، در صورتی که دیه قصاص شونده‌گان بیش از سهم جنایتشان باشد، باید پیش از قصاص، مازاد دیه آنان را به قصاص شونده‌گان بپردازد

بدیهی است اگر اولیاء دمی که حق قصاص دارند با قاتل نسبت به دیه تراضی کنند، در این صورت زن و شوهر نسبت به سهم خود از دیه دریافت خواهد داشت.

نکته

۱. علی‌رغم آنکه زن و شوهر حق قصاص ندارند ولی اجنبی محسوب نمی‌شوند و حق اقامه دعوی و شکایت را دارا می‌باشند و عملاً بدون رضایت آنان نمی‌توان پرونده را مختومه و قرار موقوفی تعقیب صادر نمود. (دکتر آقای نیا- حسین- جرایم علیه اموال- نشر میزان)

۲. در صورت صدور حکم به قصاص، زوجه نمی‌تواند مطالبه دیه نسبت به سهم خود نماید، ولی در صورت صدور حکم به پرداخت دیه و یا تبدیل شدن به مال، زوجه می‌تواند سهم خود را مطالبه کند.

فروض مختلف در اولیاء دم

۱. ولی دم واحد

الف- ولی دم واحد دارای اهلیت

در فرضی که مجنی علیه فقط ولی دم واحد داشته باشد، او به تنهایی تصمیم می‌گیرد که قصاص را اجرا کرده و یا جانی را عفو نماید یا در قبال دیه یا بیشتر یا کمتر از آن از حق قصاص خود گذشت کند. طبق ماده ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی: «ولی دم همان ورثه مقتول است، به جز زوج یا زوجه او که حق قصاص ندارد.» و ماده ۳۵۲ قانون مذکور «اگر حق قصاص، به هر علت، تبدیل به دیه شود یا به مال یا حقی مصالحه شود، همسر مقتول نیز از آن ارث می‌برد. اگر برخی از اولیای دم، خواهان قصاص و برخی خواهان دیه باشند، همسر مقتول، از سهم دیه کسانی که خواهان دیه هستند، ارث می‌برد.»

ب- ولی دم واحد فاقد اهلیت

در فرضی که ولی دم واحد، صغیر یا مجنون است و یا در فرض تعدد اولیاء دم نیز، همگی مجنون یا صغیر باشند، اهلیت لازم برای استیفاء قصاص را نخواهند داشت. در چنین مواردی بنابر نظر فقهی عده‌ای از فقها همچون صاحب جواهر و فاضل لنکرانی بر این امر است که، اولیاء قانونی صغار و مجانبین به هر نحو که مصلحت آنها اقتضاء کند، بر حسب مورد نسبت به استیفاء قصاص یا صلح به دیه تصمیم‌گیری نمایند. در حال حاضر نیز قانون‌گذار در ماده ۳۵۴ قانون مجازات اسلامی این مورد را پیش‌بینی نموده است: «اگر مجنی علیه یا همه اولیای دم یا برخی از آنان، صغیر یا مجنون باشند، ولی آنان با رعایت مصلحت شان حق قصاص، مصالحه و گذشت دارد...»

۲. اولیاء دم متعدد

الف- تمامی اولیاء دم دارای اهلیت (بالغ و عاقل) بوده و همگی نیز یک امر (قصاص، عفو، مصالحه) را انتخاب می‌کنند.

در این صورت بدون تردید، خواسته آنها انجام می‌پذیرد. در این راستا ذکر دو نکته حائز اهمیت است:

۱. در صورت عفو یا مصالحه، قاتل از حیث جنبه عمومی جرم، برابر ماده ۶۱۲ تعزیرات به سه تا ده سال حبس محکوم می‌شود

۲. اگر اولیاء دم، خواهان مصالحه با بیشتر یا کمتر از دیه باشد و قاتل نیز به این امر راضی باشد، مصالحه صورت می‌پذیرد، در غیر اینصورت و با فرض عدم توافق قاتل به مصالحه، امکان توافق نبوده و اولیاء دم مجبور به انجام قصاص یا گذشت شاکی است.

ب- تمامی اولیاء دم دارای اهلیت (بالغ و عاقل) بوده، لکن برخی خواهان قصاص، برخی خواهان عفو، برخی خواهان مصالحه با قاتل هستند.

در چنین مواردی برابر ماده ۴۲۳ ق.م.ا، کسی که خواهان قصاص است، باید نخست سهم دیه دیگران را در صورت گذشت آنان به مرتکب و در صورت درخواست دیه به خود آنان بپردازد.

ج- برخی از اولیاء دم دارای اهلیت (عاقل، بالغ) و برخی دیگر فاقد اهلیت (صغیر، مجنون) باشند.

در این راستا، برابر رأی وحدت رویه شماره ۳۱-۳۰/۰۸/۶۵، در مورد قتل عمدی، اگر بعضی از اولیاء دم کبیر و بعضی دیگر صغیر باشند و اولیاء دم کبیر تقاضای قصاص نمایند با تأمین سهم صغار از دیه شرعی می‌توانند جانی را قصاص نمایند.

در همین راستا ذکر این نکته حائز اهمیت است که ماده ۳۵۴ ق.م.ا، نیز به نحو عام تر موید همین مطلب است. ماده ۳۵۴ قانون مجازات اسلامی: «... اگر برخی از اولیای دم، کبیر و عاقل و خواهان قصاص باشند، می‌توانند مرتکب را قصاص کنند لکن در صورتی که ولی صغیر یا مجنون خواهان اداء یا تأمین سهم دیه مولی علیه خود از سوی آنها باشد باید مطابق خواست او عمل کنند. مفاد این ماده، در مواردی که حق قصاص به علت مرگ مجنی علیه یا ولی دم به ورثه آنان منتقل می‌شود نیز جاری است. این حکم در مورد جنایاتی که پیش از لازم الاجرا شدن این قانون واقع شده است نیز جاری است.»

د- غیبت یا فقدان ولی دم

در صورتی که اولیاء دم مقتول غایب بوده و امکان دسترسی به آنها وجود نداشته باشد و همچنین در مواردی که مقتول ولی دم نداشته باشد و یا شناخته نشود، رهبر ولی دم آن محسوب می‌شود. در همین راستا ماده ۳۵۶ ق.م.ا بیان می‌دارد: «اگر مقتول یا مجنی علیه یا ولی دم که صغیر یا مجنون است، ولی نداشته باشد و یا ولی او شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد، ولی او مقام رهبری است.»

سوال: در چنین مواردی آیا مقام رهبری حق عفو جانی را دارد یا خیر؟

برابر ماده ۳۵۶ ق.م.ا، رهبری حق عفو، مصالحه با دیه، قصاص را به نحو عام دارند.

نکات تفاضل دیه

پرداخت دیه‌های زائد بر استحقاق:

در برخی از موارد شرط اجرای قصاص نفس، پرداخت دیه یا بخشی از آن توسط استیفاء کننده قصاص است. این موارد به شرح ذیل است:

۱. وقتی که برخی از اولیاء دم خواهان قصاص و برخی دیگر خواهان دیه و برخی خواهان عفو هستند. براساس ماده ۴۲۳ ق.م.ا و برابر ماده ۴۲۷ ق.م.ا، متقاضی قصاص باید پیش از اجرای قصاص سه‌م دیه خواهان دیه را به آنها و نیز سه‌م دیه عفو کنندگان را به قاتل بدهد. در غیر اینصورت اجرای قصاص قانوناً ممکن نیست. ۲. در بحث شرکت در قتل، یعنی وقتی که چند نفر فردی را کشته باشند و حکم قصاص همه آنها صادر شده باشد. در این صورت باید تفاوت دیه یک نفر (مجنی علیه) و چند نفر (شرکای در قتل) توسط اولیاء دم پرداخت گردد.

به عنوان مثال:

اگر شرکاء در قتل سه نفر باشند باید تفاوت دیه بین یک نفر و سه نفر (یعنی دو نفر) پیش از اجرای قصاص و براساس ماده ۳۷۳ ق.م.ا به قاتلین پرداخت گردد.

۱. ماده ۴۲۷- در مواردی که صاحب حق قصاص برای اجرای قصاص باید بخشی از دیه را به دیگر صاحبان حق قصاص بپردازد، پرداخت آن باید پیش از قصاص صورت گیرد و در صورت تخلف صاحب حق قصاص از این امر، افزون بر پرداخت دیه مذکور به مجازات مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

۲. ماده ۳۷۳- در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مجنی علیه یا ولی دم می‌تواند یکی از شرکا در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید بلافاصله سهم خود از دیه را به قصاص شونده بپردازند و یا اینکه همه شرکا یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند، مشروط بر اینکه دیه مازاد بر جنایت پدید آمده را پیش از قصاص، به قصاص شونده بپردازد. اگر قصاص شونده همه شرکا نباشند، هر یک از شرکا که قصاص نمی‌شود نیز باید سهم خود از دیه جنایت را به نسبت تعداد شرکا بپردازد. تبصره- اگر مجنی علیه یا ولی دم، خواهان قصاص برخی از شرکا باشد و از حق خود نسبت به برخی دیگر مجانی گذشت کند یا

۳. وقتی که مردی، زنی را کشته باشد و اولیاء دم زن خواهان قصاص قاتل باشند، باید براساس ماده ۳۸۲ ق.م.ا، نصف دیه قاتل را به او بپردازد.

معاونت در قتل

رکن قانونی معاونت در جرم ماده ۱۲۶ ق.م.ا است. در باب مجازات معاونت در قتل، دو فرض متصور است، الف) فاعل قصاص بشود، که در چنین صورتی برابر بند الف ماده ۱۲۷ ق.م.ا، مجازات معاون حبس تعزیری درجه ۲ یا ۳ است (۱۰ تا ۲۵ سال حبس به انتخاب قاضی) ب) فاعل قصاص نشود، در چنین صورتی برابر تبصره ۲ ماده ۱۲۷ ق.م.ا، مجازات معاون حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶ خواهد بود. (۶ ماه تا ۵ سال حبس به انتخاب قاضی)

شرایط مجازات قتل عمدی

برابر ماده ۳۸۱ ق.م.ا، مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای اولیای دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون قصاص است. در این ماده مراد از سایر شرایط کلی به:

۱. شرایط موجب قصاص
۲. شرایط اجرای قصاص
۳. کیفیت استیفاء قصاص تقسیم می‌شود.

شرایط موجب قصاص

در شرایط موجب قصاص، شرایط قاتل و مقتول در کانون توجه قانون گذار است که عبارت است از:

الف- شرایط قاتل

بلوغ: برای آنکه قتل عمدی مستوجب قصاص باشد، قاتل در هنگام وقوع قتل باید بالغ باشد.

این امر را می‌توان از مفهوم مخالف ماده ۲۹۵ ق.م.ا و بند ب آن درک نمود.

برابر آن جنایت به وسیله صغیر و همانند آن خطأ محض محسوب می‌شود. لذا برای آنکه قتلی را عمد بدانیم قاتل در هنگام وقوع جرم باید بالغ باشد.

در همین راستا برابر ماده ۱۴۷ ق.م.ا، سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است و در صورت ارتکاب جرم از سوی افراد نابالغ در مورد آنها اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود. (ماده ۱۴۸ ق.م.ا)

با آنان مصالحه نماید، در صورتی که دیه قصاص شوندگان بیش از سهم جنایتشان باشد، باید پیش از قصاص، مازاد دیه آنان را به قصاص شوندگان بپردازد.

۱. ماده ۳۸۲- هرگاه زن مسلمانی عمداً کشته شود، حق قصاص ثابت است لکن اگر قاتل، مرد مسلمان باشد، ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل، مرد غیر مسلمان باشد، بدون پرداخت چیزی قصاص می‌شود. در قصاص مرد غیرمسلمان به سبب قتل زن غیرمسلمان، پرداخت مابه التفاوت دیه آنها لازم است.

نکته

برابر ماده ۳۰۸ ق.م.ا، هرگاه در هنگام وقوع قتل در بالغ بودن مرتکب، تردید وجود داشته باشد و ولی دم یا مجنی علیه ادعا کند که جنایت عمدی و در حال بلوغ انجام گرفته است، لکن مرتکب خلاف آن را ادعا کند، ولی دم یا مجنی علیه باید برای ادعا خود بینه اقامه کند. در صورت عدم اقامه بینه، قصاص منتفی است.

عقل

شرط دیگر آن است که قاتل باید در هنگام ارتکاب قتل عاقل باشد، مفهوم مخالف بند ب ماده ۲۹۵ موید این امر است: «جنایتی که از ناحیه مجنون ارتکاب یابد خطأ محض محسوب می‌شود.» لذا در صورتی که مرتکب عاقل نباشد در هنگام قتل عمدی فرد مستحق قصاص نخواهد بود.

ماده ۱۴۹ ق.م.ا در این راستا بیان می‌دارد، «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده و قوه تمییز باشد، مجنون محسوب و مسئولیت کیفری ندارد.

قاتل پدر یا جد پدری مقتول نباشد

لا یقتل والده بولده

برابر ماده ۳۰۱ ق.م.ا، قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا اجداد پدری مجنی علیه نباشد. قتل در چنین شرایطی مشمول دیه و تعزیر خواهد بود. (ماده ۶۱۲ تعزیرات)

نکته

البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که این حکم استثنائی است و مشمول مادر و جد مادری نخواهد شد.

از سوی دیگر برابر ماده ۳۰۹ ق.م.ا، این ادعا که مرتکب پدر یا جد پدری مجنی علیه است، باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات، حق قصاص حسب مورد، با سوگند ولی دم یا مجنی علیه یا ولی او ثابت می‌شود.

ب- شرایط مقتول

۱- عاقل بودن

اگر فرد عاقل، فرد مجنون را به قتل برساند برابر ماده ۳۰۱ ق.م.ا، موجب قصاص نخواهد بود. بلکه به دیه و تعزیر محکوم می‌شود.

نکته

حائز اهمیت آن است که اگر مجنی علیه عاقل نباشد، قاتل قصاص نخواهد شد. و اگر نابالغ باشد برابر ماده ۳۰۴ ق.م.ا، مستوجب قصاص است.

۲- نداشتن شرایط مندرج در ماده ۳۰۲ ق.م.ا (محقون الدم بودن مقتول)

قتل نفس در صوتی موجب قصاص است که مقتول شرایط مندرج در ماده ۳۰۲ ق.م.ا را نداشته باشد، یعنی شخص مجنی علیه نباید مهدورالدم باشد. برابر این ماده، در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه محکوم نمی شود.

الف- مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است.

ب- مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است، مشروط بر این که جنایت وارد شده، پیش از مجازات حدی او نباشد، در غیر این صورت، مقدار اضافه بر حد، حسب مورد، دارای قصاص، دیه، تعزیرات.

پ- مستحق قصاص نفس یا عضو، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی شود.

ت- متجاوز و کسی که خطر او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده ۱۵۶ ق.م.ا، جنایتی بر او وارد شود.

ث- زانی و زانیه در حالت زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است.

هرگاه هر یک از موارد فوق الذکر را اثبات نماید، به تعزیر محکوم می شود. (تبصره یک ماده ۳۰۲ ق.م.ا)

و اگر نتواند آن را اثبات نماید، دو حالت قابل تصور است:

۱. اگر با اعتقاد به یکی از موارد فوق مبادرت به قتل نموده باشد و بتواند آن را اثبات نماید، برابر ماده ۳۰۳ ق.م.ا

علاوه بر پرداخت دیه به سه تا ده سال حبس محکوم می گردد.

۲. ولی اگر بدون اعتقاد به موارد فوق مبادرت به قتل نموده باشد با وجود سایر شرایط، مرتکب قتل مستوجب

قصاص است.

تحلیل ماده ۳۰۲ ق.م.ا

در تحلیل این ماده دو فرض متصور است:

۱. قاتل اعتقاد نداشته باشد که مقتول مستحق کشتن است، یعنی قاتل بدون اعتقاد به شرایط مندرج در ماده

۳۰۲ ق.م.ا نسبت به مقتول وی را به قتل رسانده است. که در این فرض، دو حالت متصور است:
الف- قاتل می‌تواند ثابت کند که مقتول شرایط مندرج در ماده ۳۰۲ ق.م.ا را داشته است، که در این صورت مرتکب قصاص نمی‌شود و محکوم به پرداخت دیه هم نمی‌شود. ولی اگر بدون حکم دادگاه این کار را کرده باشد تعزیر می‌شود.

ب- قاتل نمی‌تواند ثابت کند که شرایط مندرج در ماده ۳۰۲ ق.م.ا در مقتول بوده است، که در این فرض مرتکب قصاص می‌شود.

۲. قاتل اعتقاد داشته باشند که مقتول مستحق کشتن است. یعنی قاتل معتقد به وجود یکی از شرایط مندرج در ماده ۳۰۲ ق.م.ا برای مقتول بوده است. که در چنین شرایطی دو حالت متصور است:
الف- قاتل می‌تواند ثابت کند که مقتول مستحق کشتن بوده است، که در این فرض قاتل به قصاص و دیه محکوم نمی‌شود. ولی اگر بدون اذن دادگاه باشد به تعزیر محکوم می‌شود.

ب- قاتل نمی‌تواند ثابت کند مقتول مستحق کشته شدن بوده است و عملاً مرتکب اشتباه شده است که در این فرض فرد مستحق ماده ۳۰۲ ق.م.ا و دیه و ۳ تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌شود.

ج- شرایط مشترک قاتل و مقتول (برابری در دین)

برابری در دین (تساوی در دین میان قاتل و مقتول)

نکته

۱. لایقتل مومن بکافر و قاعده نفی سبیل موبد این امر است برابر ماده ۳۰۱ ق.م.ا، قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مجنی علیه در دین با مرتکب مساوی باشد.

۲. برابر تبصره ماده ۳۰۱ ق.م.ا، چنانچه مجنی علیه مسلمان باشد، مسلمان نبودن مرتکب مانع قصاص نیست.

۳. اگر غیرمسلمان، غیرمسلمان دیگری را به قتل برساند، قصاص ثابت می‌شود.

برابر ماده ۳۱۰ ق.م.ا، «هرگاه غیرمسلمان، مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، مستأمن یا معاهد شود، حق قصاص ثابت است.»

ولی اگر، مسلمان، ذمی، مستأمن، معاهد مرتکب قتل شوند و غیرمسلمان، غیرمسلمان ذمی، غیرمسلمان غیرمستأمن، غیرمسلمان غیر معاهد مجنی علیه واقع شوند. جانی یا مرتکب قصاص نمی‌شوند و دیه و حبس مندرج در ماده ۶۱۲ تعزیرات جاری خواهد بود.

۴. کافر ذمی: هرگاه کافر کتابی به جامعه اسلامی مالیات دهد، کافر ذمی است.
کافر مستأمن:

کافری است که با حکومت اسلامی عقد ذمه منعقد نکرده ولی با اذن دولت اسلامی به منظور تجارت یا سفارت و یا نیاز دیگر وارد قلمرو اسلامی می‌شود و چون به او امان از تعرض داده شود او را مستأمن در مقابل معاهد گویند. امان مستأمن مطلق است. (دکتر-عظیم زاده- شادی-حقوق جزای اختصاصی-نشر دوراندیشان-ص ۹۱):

کافر معاهد: کافری است که با حکومت اسلامی پیمان صلح برقرار کرده باشد و امان او امان موقت است.

۵. برابر تبصره ماده ۳۱۰ ق.م.ا، غیر مسلمانی که ذمی یا مستأمن، معاهد نیستند و تابعیت ایران را دارند و یا تابعیت کشورهای خارجی را دارند و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده اند، در حکم مستأمن هستند.

۶. اگر مجنی علیه غیرمسلمان باشد و مرتکب پیش از اجرای قصاص مسلمان شود، قصاص ساقط و مرتکب به پرداخت دیه و حبس برابر ماده ۶۱۲ تعزیرات محکوم می‌گردد.

۷. اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضایی، در مسلمان بودن مجنی علیه، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته و حالت او پیش از جنایت، عدم اسلام باشد و ولی دم یا مجنی علیه ادعا کند که جنایت عمدی در حال اسلام او انجام شده است و مرتکب ادعا کند که ارتکاب جنایت، پیش از اسلام آوردن وی بوده است.

ادعا ولی دم یا مجنی علیه باید ثابت شود و در صورت عدم اثبات، قصاص منتفی است و مرتکب به دیه و حبس مندرج در ماده ۶۱۲ تعزیرات محکوم می‌شود.

و اگر حالت پیش از جنایت، اسلام بوده است، وقوع جنایت در حالت عدم اسلام مجنی علیه باید ثابت شود تا قصاص ساقط گردد و در صورت عدم اثبات، حسب مورد با سوگند ولی دم یا مجنی علیه یا ولی او قصاص ثابت می‌شود.

مجازات قتل عمد

مجازات قتل عمدی صرفاً قصاص است و قابل مصالحه بر هر چیزی است. در واقع اولیاء دم می‌تواند سه کار را انجام دهد: ۱. اعمال قصاص ۲. عفو او ۳. مصالحه با او.

در باب فوق الذکر ماده ۳۸۱ ق.م.ا بیان می‌دارد، مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط در قانون قصاص است.

این در حالی است که اگر مرتکب جرم قتل عمدی به هر دلیلی قصاص نشود، مشمول مجازات مندرج در ماده ۶۱۲ تعزیرات، یعنی ۳ تا ۱۰ سال حبس خواهد بود.

نکته

مواردی را که قانون گذار معین نموده است و مرتکب علی رغم قتل عمدی، قصاص نمی‌شود، عبارت است از:

۱. قتل فرزند توسط پدر یا جد پدری (ماده ۳۰۱ ق.م.ا)

۲. مجنی علیه مرتکب صدمه عمدی به خود را قبل از مرگ عفو کرده باشد (ماده ۳۶۵ ق.م.ا).
 ۳. مرتکب قتل مسلمان و مجنی علیه غیرمسلمان باشد.
 ۴. مرتکب قتل عمدی عاقل و مجنی علیه مجنون باشد (ماده ۳۰۵ ق.م.ا).
 ۵. قتل عمد در حالت مستی (ماده ۳۰۷ ق.م.ا).
- که در تمامی موارد فوق الذکر قصاص منتفی و دیه جانشین آن می‌شود.

شرایط اجرای قصاص

منظور از سایر شرایط مندرج در ماده ۳۸۱ ق.م.ا عبارتند از:

۱. تقاضای ولی دم (ماده ۳۸۱)
۲. پرداخت دیه مقرر در قانون (ماده ۳۵۹)
۳. اذن رهبر (ماده ۴۱۷)
۴. عدم وجود مانع در اجرای قصاص (ماده ۳۴۷)

۱. تقاضای ولی دم

برابر ماده ۳۸۱ ق.م.ا، مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود شرایط مقرر در قانون قصاص و در غیر اینصورت مطابق مواد دیگر این قانون دیه و تعزیر خواهد بود. در همین راستا ماده ۴۲۱ ق.م.ا اشاره دارد: «هیچ کس غیر از مجنی علیه یا ولی او حق قصاص مرتکب را ندارد و اگر کسی بدون اذن آنان او را قصاص کند، مستحق قصاص است.» و ماده ۳۵۱ ق.م.ا بیان می‌دارد: «ولی دم همان ورثه مقتول است به جز زوج و زوجه که حق قصاص ندارند.»

نکته

۱. زوج و زوجه حق قصاص ندارند ولی حق اقامه دعوی بر علیه مرتکب را دارا می‌باشند. و همچنین اگر به هر دلیلی یا قصاص تبدیل به دیه شود و یا با وی در ازای مالی مصالحه شود، همسر مقتول اولیاء دم محسوب و سهم می‌برد.
۲. حق قصاص برابر ماده ۳۴۸ ق.م.ا به ارث می‌رسد.

در قسمت قبلی فروض مختلف ولی دم، همانند واحد بودن یا متعدد بودن بیان گردید، که از بیان مجدد آن امتناع می‌نماییم.

۲. پرداخت دیه مقرر

در مواردی که باید دیه پرداخت شود و به تبع آن قصاص اجرا شود. اول باید دیه پرداخت شود و سپس قصاص اجرا شود. همانند اعمال مواد ۳۷۳ و ۳۷۴ ق.م.ا در باب پرداخت دیه به شرکاء در قتل عمدی. (در قسمت‌های قبلی توضیح داده شد).

۳. اذن رهبر

برابر ماده ۴۱۷ ق.م.ا (در اجرای قصاص اذن مقام رهبری یا نماینده او لازم است). ذکر دو نکته در باب فوق حائز اهمیت است:

نکته اول: اگر اولیاء دم بدون اذن رهبری مبادرت به قصاص نمایند، بدون تردید نمی توان گفت که مرتکب قتل عمدی موجب قصاص شده اند، لذا که حق قصاص خود را اعمال کرده اند.

ولی در این راستا ماده ۴۲۰ ق.م.ا بیان می‌دارد: «اگر صاحب حق قصاص، برخلاف مقررات، اقدام به قصاص کند به تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات (ماده ۶۱۲ تعزیرات) محکوم می‌شود.»

نکته دوم: آیا مقام رهبری می‌تواند علیرغم درخواست اولیاء دم برای اجرای قصاص، اذن به قصاص ندهد و جانی را از قصاص عفو نماید؟

غالب فقها معتقدند که در حقوق الناس از جمله حق قصاص، حق عفو از آن صاحبان حق یعنی مجنی علیه یا اولیاء دم است و برای رهبر چنین حقی وجود ندارد، بتوان قائل به اسقاط آن از طرف او شد.

موانع قصاص

گاهی مواقع همچون علل رافع مسئولیت کیفری باعث می‌شود که اساساً مجازات قصاص به وجود نیاید. به این موانع، موانع ثبوت قصاص گفته می‌شود.

گاهی دیگر مجازات قصاص ثابت می‌شود، اما حدوث عواملی باعث می‌گردد که این مجازات ساقط گردد. به این موانع، موانع اجرای مجازات قصاص یا سقوط مجازات قصاص گفته می‌شود.

الف- موانع ثبوت قصاص

موانع ثبوت قصاص در قانون به شرح ذیل احصاء شده است:

۱. صغر قاتل (ماده ۱۴۶ و بند ب ماده ۲۹۲ ق.م.ا)
۲. جنون قاتل (ماده ۱۴۹ و بند ب ماده ۲۹۲ ق.م.ا)
۳. خواب با بیهوش بودن قاتل (ماده ۱۵۳ و بند الف ماده ۲۹۲ ق.م.ا)
۴. پدر یا جد پدری بودن قاتل (ماده ۳۰۱ ق.م.ا)
۵. مست بودن قاتل (ماده ۳۰۷ ق.م.ا)
۶. دفاع مشروع قاتل (ماده ۱۵۶ ق.م.ا)
۷. جنون مقتول (مواد ۳۰۱ و ۳۰۵ ق.م.ا)
۸. مهذور الدم بودن مقتول (ماده ۳۰۵ ق.م.ا)
۹. مسلمان نبودن مقتول (ماده ۳۰۱ ق.م.ا)
۱۰. خطا یا اشتباه در اصابت قاتل (بند پ ماده ۳۰۲ ق.م.ا)
۱۱. مجبور بودن قاتل

اساساً با وجود، هر یک مجازات قصاص نفس ثابت نمی شود. در بعضی از موارد حتی قتل عمدی هم محقق نمی شود. مثلاً مقنن قتل ارتكابی توسط صغیر یا مجنون را برابر ماده ۲۹۲ ق.م.ا قتل خطاء محض می داند یا در حالت دفاع مشروع اساساً جرمی محقق نمی شود. و یا در مواردی مثل قتل پدر یا جد پدری، قتل ارتكابی بدون تردید قتل عمدی است ولی قابل مجازات قصاص نیست.

ب- سقوط مجازات قصاص

در این قسمت با موانعی مواجه هستیم که علی رغم ثبوت و تحقق مجازات قصاص، اجرای آن منتفی است. و یا به عبارتی دیگر، به جهت ایجاد عواملی، مجازات ثابت شده، قصاص ساقط می گردد.

این عوامل عبارتند از:

۱. مرگ قاتل (ماده ۴۳۵ ق.م.ا)
 ۲. عفو اولیاء دم
 ۳. صلح به دیه (ماده ۳۴۷ ق.م.ا)
 ۴. عفو مجنی علیه قبل از مرگ (ماده ۳۶۵ ق.م.ا)
- عوامل دیگری مشابه این موارد وجود دارد مانند: فرار قاتل که البته از موارد سقوط قصاص محسوب نمی شود؛ این عامل صرفاً باعث تأخیر در اجرای قصاص می گردد.

۱. مرگ قاتل

پر واضح است که با مرگ قاتل یا خودکشی یا قتل او توسط دیگری، بحث قصاص منتفی است. اما پرسش مهم این است که آیا دیه نیز در این خصوص ساقط می‌شود یا همانند قتل شبه عمدی و خطاء محض دیه به قوت خود باقی می‌ماند؟ (منظور با فوت جانی است) در این راستا برابر ماده ۴۳۵ ق.م.ا، «هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود.»

نکته

فرار قاتل از موارد سقوط مجازات نیست بلکه می‌تواند از اسباب تأخیر در اجرای مجازات باشد. ولی در این راستا، نکته حائز اهمیت ماده ۲۶۰ ق.م.ا است، که بیان می‌دارد: «هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شده است فرار کند و تا هنگام مردن به او دسترسی نباشد پس از مرگ، قصاص تبدیل به دیه می‌شود که باید از مال قاتل پرداخت گردد.»

۲. عفو اولیاء دم

عفو اولیاء دم باتوجه به آنکه یک عمل حقوقی یک طرفه محسوب می‌شود، عملاً ایقاع است. در همین راستا ماده ۴۳۷ ق.م.ا، بیان می‌دارد: «صاحب حق می‌تواند به طور مجانی از قاتل گذشت نماید و یا به تعبیر دیگر او را عفو نماید.» ولی نکته حائز اهمیت آن است که عفو صاحب حق، نافی جنبه عمومی جرم قتل عمد نخواهد بود و مرتکب مشمول ماده ۶۱۲ تعزیرات (سه تا ده سال حبس) خواهد بود.

۳. صلح به دیه

همان طور که بیان شد، عفو اولیاء دم، عمل حقوقی یک طرفه یا ایقاع است، اما صلح به دیه عمل حقوقی دو طرفه یا عقد است که نیاز به توافق اراده دو طرف یعنی اولیاء دم و قاتل دارد. در واقع در این قسمت، اولیاء دم در قبال ساقط کردن حق قصاص خود، مالی را از قاتل مطالبه می‌کنند (مثلاً دیه یا غیر آن) و قاتل هم با آن موافقت می‌کند. در این راستا ماده ۳۴۷ ق.م.ا بیان می‌دارد: «صاحب حق قصاص می‌تواند با مصالحه در برابر حق یا مال گذشت کند.»

در این مورد هم با صلح بر دیه، جنبه عمومی جرم به قوت خود باقی است و فرد مشمول ماده ۶۱۲ تعزیرات خواهد بود.

نکته

در صورت مطالبه دیه از سوی اولیاء دم و عدم قبول قاتل، باتوجه به ماده ۳۴۷ و فحوی ماده ۳۵۹ ق.م.ا، اولیاء دم چاره‌ای جز اعمال قصاص یا عفو او نخواهند داشت.

۴. عفو مجنی علیه قبل از مرگ

برابر ماده ۳۶۵ ق.م.ا در قتل و سایر جنایات عمدی، مجنی علیه می‌تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیای دم و وارثان نمی‌توانند پس از فوت او، حسب مورد، مطالبه قصاص یا دیه کنند. لکن مرتکب به تعزیر مقرر در ماده ۶۱۲ تعزیرات محکوم خواهد شد.

انواع مجازات در قتل عمد

الف) مجازات اصلی

مجازات قتل عمدی بالفلسه قصاص است و ماده ۳۸۱ ق.م.ا موید همین امر است و اگر به هر علت قصاص نشود با رعایت شرایط به ۳ تا ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم می‌شود (حبس درجه ۴ برابر ماده ۶۱۲ تعزیرات)

ب) مجازات تکمیلی

برابر ماده ۲۳ ق.م.ا، کسی که به حبس درجه یک تا شش محکوم شود، در مورد وی امکان اعمال مجازات تکمیلی وجود دارد. لذا اگر مباشر جرم قتل عمد قصاص نشود باتوجه به آنکه مجازات حبس برای چنین فردی حبس درجه ۴ است، می‌توان وی را به مجازات تکمیلی محکوم نمود.

پ) مجازات تبعی

برابر بند الف ماده ۲۵ ق.م.ا، اگر مجازات سلب حیات، از جمله قصاص نفس، اجرا نشود، مرتکب هفت سال از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی از حقوق اجتماعی محروم می‌شود.

عوامل رافع مسؤلیت کیفری در ارتباط با قتل عمدی

اکراه در قتل

یکی از عوامل رافع مسؤلیت کیفری که در بحث قتل مباحث خاص خود را دارد بحث اکراه است. اکراه در قتل یعنی وادار کردن شخصی به قتل دیگری در حالی که از آن کراهت داشته و برای دفع خطر از خود آن را

مرتکب می‌شود. مصداق کامل این حالت زمانی است که مثلاً، الف کلت کمبری خود را روی سر یا قلب شخص ب گذاشته و از او بخواهد که ج را که نزد اوست بکشد و الا، خود او را خواهد کشت. در این حالت ب علی‌رغم میل باطنی خود و صرفاً برای رفع خطر و حفظ جان خود، بین دو امر کشتن یا کشته شدن، کشتن را اراده کرده و دیگری را می‌کشد.

موضع مقنن

مقنن در ماده ۳۷۵ ق.م.ا، نظر مشهور فقها را پذیرفته و اکراه را مجوز قتل نمی‌داند، برابر این ماده، (اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب، قصاص می‌شود و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می‌شود) تبصره ۱ ماده ۳۷۵ ق.م.ا، «اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است.»

تبصره ۲ ماده ۳۷۵ ق.م.ا، «اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد باید عاقله او دیه مقتول را بپردازد و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می‌شود.» علت عدم قصاص طفل ممیز، عدم بلوغ اوست و علت عدم قصاص اکراه کننده هم آن است که قتل مستند به او نیست.

بررسی صور دیگر اکراه در قتل

الف- اکراه به خودکشی

اگر شخصی دیگری را اکراه به خودکشی نماید، اگر اکراه شده، طفل غیرممیز یا مجنون باشد تردیدی نیست که اکراه کننده سبب اقوی از مباشر بوده و قاتل مستحق مجازات قصاص است. اما اگر اکراه شده انسان عاقل و بالغی باشد، اکراه محقق نیست، چون اکراه وقتی است که اکراه شونده با پذیرفتن آن، خود را از خطر بیشتر نجات دهد. لذا اکراه به خودکشی هم مجوز خودکشی نیست.

با این اوصاف ماده ۳۷۹ ق.م.ا بیان می‌دارد، «هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت به اکراه شونده گردد، جنایت عمدی است و اکراه کننده قصاص می‌شود.»

ب- اکراه به قتل خویشتن

اگر شخصی دیگری را تهدید کند که او را بکشد، مثلاً بگوید اگر مرا نکشی تو را می‌کشم، بدون تردید و براساس اتفاق نظر فقها قتل عمدی تحقق پیدا کرده است و در این حالت نیز قتل جایز نیست.

عدم بلوغ در قتل عمدی

اگر نابالغ مرتکب قتل عمدی شود، مسئولیت کیفری ندارد و جنایت او خطأ محض محسوب می‌شود و عاقله وی عهده دار پرداخت دیه خواهد بود. (بند ب ماده ۲۹۲ ق.م.ا)

جنون در قتل عمدی

اگر فرد مجنون مرتکب قتل عمدی شود، مسئولیت کیفری ندارد و جنایت او خطأ محض محسوب می‌شود و عاقله وی عهده دار پرداخت دیه خواهد بود. (بند ب ماده ۲۹۲ ق.م.ا)

مستی در قتل عمدی

براساس قاعده ارتکاب جنایت عمدی در حالت مستی ناشی از استفاده از مشروبات و مواد روان گردان و امثال آن، قصاص است، مگر آن که ثابت شود که جانی بر اثر مستی و عدم تعادل روانی به کلی مسلوب الاختیار بوده است، که در این صورت علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود. لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب وی می‌شود، جنایت عمدی محسوب می‌شود. (ماده ۳۰۷ ق.م.ا)

خواب و بیهوشی در قتل

هرگاه فردی در حالت خواب و بی هوشی و همانند آن، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد، مگر آن که شخص با علم به این که در حالت خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد یا خود را بیهوش کند. (ماده ۱۵۳ ق.م.ا) و به طور کلی و براساس قاعده هرگاه در حالت خواب یا بیهوشی مرتکب جنایت بر دیگری شود، جنایت ارتكابی خطأ محض خواهد بود (بند الف ماده ۲۹۲ ق.م.ا) ولی اگر با علم و آگاهی به این که در حالت خواب یا بیهوشی مرتکب جنایت می‌شود و خود را خواب یا بیهوش کند، جنایتش عمدی است. (تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا)

اضطرار در قتل عمد

اضطرار در بحث قتل، حالتی است که انسان در چنان مخمصه‌ای گرفتار آید که برای دفع خطر شدید از خود، به قتل دیگری ناچار شود.

پس همانند اکراه در اضطرار هم اراده وجود دارد، اما رضا نیست، و تفاوت آن با اکراه در آن است که در حالت اکراه، عامل انسانی به عنوان اکراه کننده وجود دارد ولی در حالت اضطرار چنین نیست، بلکه عامل آن ناشی از ضرورت‌های دفاع نفس یا عوامل طبیعی است.

مقتن بر عکس اکراه در اضطرار حکم مشخصی ندارد و حکمی کلی را در ماده ۱۵۲ ق.م.ا بیان نموده است. به نظر می‌رسد با توجه به این که مثل اکراه در اضطرار هم وجود دارد، می‌توان از طریق وحدت کلمه، حکم اکراه را بر حالت اضطرار جاری دانست، لذا اضطرار هم مجوز قتل نیست.

راه‌های اثبات قتل عمد

ادله اثبات دعوی در دادگاه عبارتند از:

۱. اقرار ۲. شهادت ۳. قسامه ۴. سوگند ۵. علم قاضی (ماده ۱۶۰ ق.م.ا)
- لذا قتل عمد از ۵ طریق فوق ثابت می‌شود؛

اقرار

اقرار به قتل عمد اگر یک مرتبه هم باشد، ثابت می‌شود. (ماده ۱۷۲ ق.م.ا) این ماده موید این امر است که کلیه جرایم با یک بار اقرار ثابت می‌شود و انکار پس از اقرار هم در باب قتل عمدی قابل استماع نیست.

نکات

- اقرار به ارتکاب جرم قابل توکیل نیست. (تبصره ماده ۱۶۵ ق.م.ا)
 - اقرار باید با لفظ یا نوشتن باشد (ماده ۱۶۶ ق.م.ا)
 - اقرار باید منجز باشد (ماده ۱۶۷ ق.م.ا)
 - اقرار کننده در حین اقرار باید عاقل، بالغ، قاصد، مختار باشد (ماده ۱۶۸ ق.م.ا)
-
- اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و آزار و اذیت روحی باشد، فاقد ارزش و اعتبار است (ماده ۱۶۹ ق.م.ا)
 - اقرار شخصی سفیه و ورشکسته، نسبت به امور کیفری نافذ است (ماده ۱۷۰ ق.م.ا)
 - با اقرار مرتکب به قتل عمدی، نوبت به سایر ادله نمی‌رسد.

حد نصاب اقرار در جرایم بشرح ذیل است:

۱. کلیه جرایم با یک بار اقرار به جز موارد ذیل
۲. زنا، لواط، تفخیذ، مساحقه با چهار بار اقرار
۳. شرب خمر، قوادی، قذف، سرقت موجب حد با دو بار اقرار